



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قاضی حفظه الله

الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم الی يوم الدين

نقل کلام فقها در اعتبار قول اهل خبره

خلاصه جلسه قبل: بحث ما در اعتبار قول اهل خبره، به مناسبت بحث از نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی پزشکی بود. قبل از بررسی ادله، اقوال در این مسئله را بررسی می کردیم و کلمات از برخی فقها را نقل کردیم تا اینکه بحث به کلام محقق نائینی رسید. جهاتی در کلمات فقها مطرح شد که باید ادله را نسبت به این جهات بررسی کنیم مثل اشتراط یا عدم اشتراط شروط بینة در قول اهل خبره.

خلاصه فرمایش محقق نائینی در اعتبار قول اهل خبره و ملاک آن

از کلام محقق نائینی اینطور برآمد که (همانطوری که در کلام مرحوم آخوند هم بود) قول اهل خبره جایی معتبر است که موجب وثوق و اطمینان باشد و قول اهل لغت از باب قول اهل خبره، معتبر نیست چرا که مفید وثوق و اطمینان نیست و علاوه بر اینکه لغوی، خبره در لغت نیست بلکه خبره در موارد استعمال است.

مرحوم نائینی در تمام بناءهای عقلائی این را فرمودند که اعتبار آنها تعبدی نیست و در جایی معتبر می دانند که مفید وثوق باشد. کأنه مرحوم نائینی در قاعده ید و حجیت خبر واحد باید همین حرف را بزنند یعنی در جایی معتبر هستند که موجب وثوق و اطمینان باشند. ایشان فرمودند بر اساس دلیل انسداد نمی توان اعتماد کرد به قول رجالی یا قول لغوی، چون ملاک در انسداد، انسداد باب علم در معظم احکام است. و بنای تعبدی عقلاً وجود ندارد بلکه باید مبنا، فقط حصول وثوق و اطمینان باشد نسبت به امری که بنا را بر آن می گذارند مثلاً وثوق و ثاقت رجال و وثوق به معنای لغوی.

به دلیل انسداد نمی توان اکتفا به مطلق ظن شود بدون حصول اطمینان، چرا که ملاک در انسداد، صرف انسداد باب علم و علمی نیست بلکه انسداد باب علم و علمی در معظم احکام مراد است. و اینگونه نیست که اگر تعبداً به قول لغوی عمل نشود، محذور انسداد باب علم و علمی در معظم احکام پیش بیاید چون معظم لغات برای اهل لغت قابل دست یابی است و علم به لغات برای غیر اهل لغت هم میسر است. اما ایشان در باره قول رجالی فرمودند عدم اعتبار آن، مستلزم انسداد باب علم و علمی در معظم احکام است و منجر به حرج شدید و اختلال نظام خواهد شد.

محقق نائینی در ادامه استدراکی را مطرح کردند و آن اینکه: اگر از قول لغوی نسبت به معنای نفسی، وثوق حاصل شود و با فرض اینکه وثوق معتبر است؛ ایشان فرمودند بعید نیست این مورد مندرج شود در باب ظهورات، که اعتبار آن به ملاک انسداد نیست بلکه اعتبار ظهور، به ظن خاص است. البته در عبارت مرحوم نائینی اضطرابی وجود داشت چون اگر بناست حصول وثوق باشد منتهی به انسداد نشده است و اگر مراد مطلق ظن و وثوق نوعی باشد، در این صورت عبارت ایشان معنا خواهد داشت و ایشان می خواهد بفرماید باز هم به ملاک انسداد عمل نمی شود و اگر ما بودیم و ملاک انسداد، به قول لغوی عمل نمی شد ولی بنابر اینکه قول لغوی با حصول وثوق نوعی نه وثوق شخصی، برای لفظ ظهور درست کند، حجیت آن به ملاک ظن خاص خواهد بود و مشمول ادله حجیت ظهور خواهد بود. و ایشان نسبت به قول رجالی فرمودند: ممکن است گفته شود که قول رجالی مندرج در ادله حجیت خبر موثق می شود هرچند از قول رجالی وثوق نسبت به وثاقت رجال به ملاک خبره حاصل نشود اما خبر موثق اعتبار آن حساب جدایی دارد ولو اینکه موجب وثوق هم نشود.

متحصل از کلام محقق نائینی این شد که در اعتبار قول اهل خبره وثوق معتبر است و اگر موجب وثوق نباشد، اگر مندرج در یک عنوان



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قائمی حفظه الله

خاص باشد به همان عنوان خاص اعتبار پیدا می کند و آلا ملاک ما در عمل، فقط وثوق است و لا غیر.

فرمایش برخی از معاصرین در آراؤنا فی اصول الفقه

برخی از معاصرین در رجوع به لغوی فرموده اند که مشکل رجوع به لغوی، مشکلی اهم از مطرح در کلمات دیگران است. آنچه که در کلام دیگران از مشکل مطرح است کأنّ فرع است در کنار مشکل اصلی، اما ایشان در کتاب آراؤنا فی اصول الفقه می فرماید: مشکل رجوع به لغوی (بر فرض که اهل خبره هم باشد) این است که رجوع به خبره در جایی است که خود شخص رجوع کننده مجتهد نباشد کأنّ مبنای عقلا رجوع غیر خبره به خبره است اما بنای عقلا بر رجوع خبره به خبره وجود ندارد. و بر همین اساس است که گفته شده مجتهد حق تقلید ندارد. بنابراین اگر فقیه به لغوی رجوع کند از باب رجوع مجتهد به مجتهد است و این خلاف بنای عقلا است. یعنی اگر ما رجوع به خبره را جایز بدانیم حتی بدون حصول وثوق، این در جایی است که رجوع کننده خودش خبره نباشد. ایشان می فرماید ممکن است بگوییم اشکالی ندارد خبره در فقه به خبره در اصول مراجعه کند

عبارت ایشان به این صورت است: «نعم یختلج بالبال أن یقال انه لا بأس ان یقلد شخص فی الاصول أو فی غیره من المقدمات و یکون مجتهدا فی الفقه فی عمل نفسه فانا لا نری محذورا فیه فی هذه العجالة فلاحظ»^۱

یعنی ایشان می فرماید تنها مشکل رجوع فقیه به لغوی، رجوع خبره به خبره است و این هم اشکالی ندارد مجتهد در فقه به مجتهد در مقدمات فقه رجوع می کند.

حاج آقا تقی قمی (ره) مشابه این بیان را در جاهای دیگری مطرح کرده اند هم در تعلیقه بر مکاسب و هم در دراستنا من الفقه الجعفری. ایشان ادعا کرده اند که سیره بر عمل به قول ثقة واحد است و عدالت و تعدد و امثال اینها، فقط در شهادت و محکمه معتبر است و در غیر اینها، امانت و خبرویت معتبر است و آن شروط معتبر نیست.

فرمایش مرحوم آقای اراکی در اصول الفقه

مرحوم آقای اراکی می فرمایند:

«حجیه قول الخبره مسلمة بالوجدان، بل علیه الفقهاء فی مسألة التقویم و مسألة التقليد، فرجوع الجاهل فی کلّ صنعة إلى العالم بها مما لا ینکر و إن کان یظهر من شیخنا المرتضی قدّس سرّه منع الکبری أيضا»^۲

فرمایش محقق یزدی در تعلیقه بر کلام شیخ انصاری

از کلام مرحوم سید یزدی همانطوری که دیگران به ایشان نسبت داده اند، بر می آید که خبر واحد در هر مقامی علی العموم حجت است چه در اموری که منوط به خبرویت است و چه در غیر آن. مگر در مواردی که مخصص دارد و تعدد در آن موارد معتبر است. کلام ایشان ناظر به فرمایش شیخ انصاری، این است که: اینگونه نیست که هر جا تعدد معتبر نباشد، قضیه غیر حسی باشد و هر چا تعدد معتبر باشد، قضیه حسی باشد.

ما گفتیم که ماهیت خبر و شهادت از نظر مضمون خبر، تفاوتی ندارد و اینطور نیست که اگر خبر از باب شهادت باشد تعدد در آن

۱. آراؤنا فی اصول الفقه؛ ج ۲؛ ص ۸۵.

۲. اصول الفقه؛ ج ۱؛ ص ۵۰۹.



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قاضی حفظه الله

معتبر است و اگر از باب اخبار باشد، تعدد در آن معتبر نباشد. ماهیت خبر و شهادت در حکایت از امر حسی تفاوتی نمی کند. ولی این خبر در برخی از موارد مشروط به تعدد است مثل باب قضا و روئیت هلال، و در برخی موارد مشروط به تعدد نیست مثل خبر حسی از موضوعات یا احکام. این کلام را مرحوم سید یزدی متعرض شده است و کلام صحیحی است

«والتحقیق خلاف ذلك و أنّ كلّ مورد يعتبر فيه التعدد فهو شهادة و إلا فلا فرق بينهما بحسب المورد و كيفية الأخبار و غير ذلك و تمام الكلام في مقام آخر و الحق أنّ مقتضى الأصل كفاية الواحد في كل مقام خرج ما خرج و ذلك لعموم ما دلّ على حجية خبر العادل حتى في الموضوعات فتدبر»^۱

خبر واحد در تمام مقامات حجت است چون دلیل حجیت خبر عادل عام است و حتی شامل خبر عادل در موضوعات می شود.

مراد از عدالت در باب خبر

در کتاب غده شیخ طوسی به این مطلب اشاره شده است که منظور از عدالت در باب خبر، عدالت در باب نماز جماعت نیست بلکه به معنای عدالت در خبر است یعنی وثاقت و عدم تعمد در کذب (یعنی مأمون بودن از کذب) و عدالت در خبر به معنای عدالت در تمام رفتار در مقابل فسق عملی نیست. مرحوم شیخ طوسی این مطلب را در حجیت قول ثقاتی که از عقیده حقه منحرف شده اند، مطرح می کنند و اینکه منحرفین از عقیده اگر ثقة باشند قول آنها معتبر است.

یک نکته در ذیل کلام مرحوم نائینی

قضیه ظن به ملاک انسداد همانطوری که گفته شد حساب جدایی دارد. برخی از بزرگان در مثل قول خبره تعبیر به انسداد کرده اند، بعید نیست که مراد اینها انسداد اصطلاحی (انسداد باب علم و علمی در معظم احکام) نباشد. و با این بیان اشکال محقق نائینی هم وارد نخواهد بود. بعید نیست مراد اینها از انسداد این باشد که علم میسر نیست و در این فرض حجت عقلانی است نه انسدادی که در کلمات آقایان مطرح می شود. منظور از این انسداد این است که در فرض نبود علم، حجت است به دلیل خاص و آن دلیل خاص دال بر حجیت است. یعنی حجت خاص بودن آن در جایی است که باب علم منسد است یعنی ظن خاص بودن آن منوط به عدم دسترسی به علم است.

و این غیر از اعتبار ظن به ملاک انسداد است ما یک انسداد باب علم و علمی داریم که یک بحث جداست که اعتبار ظن مطلق یا تبعض در احتیاط را به دنبال دارد. بحث دیگر این است که یک اماره در برخی موارد معتبر است و اعتبار آن منوط به حصول ظن است و اینطور نیست که هر ظنی مساوی با اعتبار به دلیل انسداد باشد.

مثلا ظن در بحث قبله و ظن در رکعات، احتمال در این موارد منوط به حصول ظن است و اثر، بر شک و احتمال مترتب نیست. و اعتبار ظن به قبله و رکعات به دلیل خاص است نه به ملاک انسداد. و لذا صرف معتبر بودن ظن در برخی موارد مساوی با قرار دادن مورد از موارد دلیل انسداد نیست.

بعید نیست آنچه گفته می شود مبنی بر اینکه باید ظن حاصل شود مثلا در قول خبره ظن حاصل شود، و تعبیر کرده اند به جهت انسداد معتبر است، مراد این است که در این فرض به ملاک بنای عقلا و اعتبار ظن خاص معتبر است نه به ملاک دلیل انسداد (منسد بودن باب علم و علمی در معظم احکام) معتبر باشد.

^۱. حاشیه المکاسب (للیزدی)؛ ج ۲، ص: ۱۰۳.



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قائمی حفظه الله

کلام مرحوم مامقانی در تعلیقه بر مکاسب

مرحوم مامقانی کلام مرحوم آخوند و محقق نائینی را دنبال کرده است و ایشان اعتبار قول اهل خبره را منوط به حصول اطمینان قرار داده است. عبارت ایشان به اینصورت است:

«هذا الاحتمال (کفایت قول واحد در امور مبتنی بر حدس) قویّ إذا أُورث قول الواحد الوثوق و الاطمئنان لا لما ذكره من لزوم الجرح للمنع من الشخصی منه و عدم اعتبار النوعی و لا لاعتبار الظنّ فی مثل ذلك لعدم الدلیل علی اعتباره بل لعموم ما دلّ علی قبول قول العادل خرج منه ما كان من قبیل الشهادة و بقى الباقي بل لنا نفی اعتبار العدالة (- أيضا-) و الاكتفاء بالوثوق من کلام غیر العادل ضرورة دوران أفعال العقلاء فی أمور معاشهم مدار الوثوق و الاطمئنان مضافا الى الأصل بعد عموم ما دلّ علی اعتبار قول المقوم و المميز و نحوهما»^۱

گفته شد مراد از عدالت در اینجا، عدالت در مقابل فسق نیست بلکه به معنای ثقة است یعنی در گفتار عادل باشد نه در همه اعمال. ایشان اعتبار خبر در امور حدسی را منوط به وصول اطمینان می دانند و افعال عقلا دائر مدار اطمینان است و دلیل ما، ادله حجیت قول عادل است. اما همانطوری که در اشکال بر کلام شیخ هم گفته شد، ما در ادله حجیت خبر واحد اطلاقی نداریم که شامل نقل خبر حدسی شود بلکه ادله حجیت خبر واحد مربوط به نقل خبر حسی است. اعتبار خبر حسی و خبر حدسی به ملاک واحد نیست بلکه هر کدام ملاک جدایی دارند.

کلام مرحوم خویی در تعلیقه بر کلام شیخ انصاری

محقق خویی^۲ در ذیل کلام شیخ انصاری (که اقسامی را ذکر کردند و قسم اول آن مربوط به امور حسی بود و قسم دوم و سوم آن

۱. نهاية المقال في تکملة غاية الآمال؛ ص: ۱۳۶.

۲. عبارت مرحوم خویی در مصباح الفقاهة (المکاسب)؛ ج ۷، ص: ۲۸۶.

قوله: مسألة: يعرف الأرض. [بمعرفة قيمة الصحيح و المعيب]

أقول: لما عرفت أن النقص لعيب و عوار يوجب جواز مطالبة المشتري الأرض من البائع.

و أما طريق معرفته انما هو بمعرفة قيمتي الصحيح و المعيب ليعرف التفاوت بينهما فيؤخذ من البائع بنسبة ذلك التفاوت هذا إذا كانت القيمة معلومة.

و أما إذا لم تكن القيمة معلومة فلا بدّ من الرجوع الى العارف بها و قد

قسم المصنف ذلك الى ثلاثة أقسام:

الأول: أن تكون القيمة معروفة و معلومة عند أهل البلد من غير احتیاج في معرفتها الى أهل الخبرة

و لكن البائع و المشتري جاهلان بها فيستلان مقنّ هو عارف بها و يخبر عن القيمة المتعارفة بين الناس بأن يخبرون أن هذه الحنطة في السوق يباع كذا و هذا القسم داخل في الشهادة فيعتبر فيها التعدد.

القسم الثاني: أن لا تكون القيمة معلومة في السوق لعدم وجوده فيه أصلا،

و يخبر المخبر عن القيمة بحدّته من جهة ملاحظة أشباهه و نظائره و ان كان من غير جنسه لأنه من أهل الخبرة يعرف قيمة الأشياء بملاحظة الأوصاف و الخصوصيات الموجودة فيها، كما إذا كان المبيع تذكرة العلامة بخطه و ظهر معيوباً فإنه ليس له نسخ كثيرة في السوق حتى يعرف قيمتها منه، بل هو منحصر بنسخة واحدة فأخبار المخبر بقيمتها من جهة حدسه و بملاحظة أوصافها من حيث نظائرها من الكتب الخطية و هذا خارج عن موضوع الشهادة و الاخبار، بل هو من صغريات اخبار أهل الخبرة كالطبيب و نحوه، و قد ثبت حجیة قوله ببناء العقلاء و من ذلك الرجوع الى قول المجتهد فإنه من أهل الخبرة مع قطع النظر عن



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قاضی حفظه الله

مربوط به قول خبره بود) در مورد قسم دوم می فرمایند:

«و هذا خارج عن موضوع الشهادة و الاخبار، بل هو من صغريات اخبار أهل الخبرة كالطبيب و نحوه، و قد ثبت حجية قوله ببناء العقلاء و من ذلك الرجوع الى قول المجتهد فإنه من أهل الخبرة مع قطع النظر عن الروايات الواردة في حجية قوله كما هو واضح»

قسم ثانی که از موارد حدسی بود، از موضوع شهادت و اخبار خارج است (در شهادت تعدد معتبر است و اخبار، مربوط به امور حسی است) بلکه این قسم از اخبار اهل خبره محسوب می شود. و حجیت قول اهل خبره با بنای عقلا ثابت شده است. و رجوع به مجتهد با قطع نظر از دلیل خاص، مبنا و سیره عقلا است. مرحوم آقای خویی نظیر این مطلب را در قسم ثالث که در کلام شیخ اعظم مطرح است می فرمایند عبارت ایشان در قسم ثالث به این صورت است:

«على أن الوجه هو الذي قلنا من شمول حجية خبر الواحد بجميع أقسام الخبر سواء كان في الموضوعات أو في الأحكام و اعتبار التعدد في باب المرافعات و نحوه المسماة بباب الشهادة، انما هو بدليل خاص و أنه خرج عن ذلك الأصل بدليل و آلا فقول العادل الواحد يقبل في جميع ذلك كما لا يخفى»^۱

اشکالی که در کلام قبل وارد شد در اینجا هم می آید و آن اینکه اطلاق ادله حجیت خبر واحد شامل خبر حدسی نمی شود. به هر حال محقق خویی قول اهل خبره را معتبر می داند و شروط شهادت را در آن معتبر نمی داند.

عبارت مرحوم امام در کتاب البيع

مرحوم امام می فرمایند:

«فالرجوع إليه (اخبار اهل خبره) في كلتا صورتين (در دو صورت حدسی بودن قول مقوم) من قبيل رجوع الجاهل إلى العالم، و غير

الخبير إلى الخبير؛ مما استقر عليه بناء العقلاء في الأعصار و الأمصار بلا إشكال، و لا ريب، و لم يدل دليل على الردع:

أما ما دلّ على اعتبار التعدّد و العدالة في الموارد الخاصة، كباب القضاء، و بعض الموضوعات كالهلل و غيره، فلا مجال لتوهم

دلالتها على الردع، كما لا يخفى»^۲

به بناء عقلا قول خبر معتبر است و دلیلی بر ردع این بناء وجود ندارد و اعتبار تعدد و عدالت در موارد خاص است و دلالت بر ردع بر بناء عقلا در رجوع به خبر نمی کند.

الروايات الواردة في حجية قوله كما هو واضح.

القسم الثالث: ان تكون قيمة المبيع بحسب أجناسه معلومة في السوق و لكن لا يعلم أنه من قسم الردى أو من قسم الجيد...

۱. مصباح الفقاهة (المكاسب)؛ ج ۷، ص: ۲۸۷.

۲. كتاب البيع (للإمام الخميني)؛ ج ۵، ص: ۲۱۱.



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶
تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قاضی حفظه الله

مرحوم امام در ادامه در مورد روایت مسعده می فرمایند:

«وَأَمَّا رَوَايَةُ مَسْعُودَةَ بِنِ صَدَقَةَ فَرَبَّمَا تَتَوَهَّمُ دَلَالَتَهَا عَلَيْهِ، وَ هِيَ مَا رَوَاهُ الْكَلْبِيُّ وَ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِمَا عَنْهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ كُلَّ شَيْءٍ هُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّه حَرَامٌ بَعِينَهُ فَتَدْعُهُ مِنْ قَبْلِ نَفْسِكَ، وَ ذَلِكَ مِثْلُ الثُّوبِ يَكُونُ عَلَيْكَ قَدْ اشْتَرَيْتَهُ وَ هُوَ سَرَقَةٌ، وَ الْمَمْلُوكُ عِنْدَكَ لَعَلَّه حَرَّ قَدْ بَاعَ نَفْسَهُ، أَوْ خَدَعَ فَبِيعَ قَهْرًا، أَوْ امْرَأَةٌ تَحْتَكُ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ، وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا عَلَى هَذَا، حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ غَيْرَ ذَلِكَ، أَوْ تَقُومُ بِهِ الْبَيِّنَةُ .

بدعوی: أَنَّ القاعدة الکلیة فی الذیل، هی المناط الکلی فی الخروج عن القاعدة العقلیة و الشرعیة؛ أي أصلي البراءة و الحل، و لیس الحلال المأخوذ فیها الاصطلاحی منه، بل معنی لغوی أعمّ ممّا یقابل الحرمة و الوجوب، فالقاعدة بکلیتها، تدلّ علی انحصار طریق الثبوت بالعلم الوجدانی و البیئة، و الخروج عنها یحتاج إلی دلیل»^۱

ایشان بینه را در این روایت به معنای بینه اصطلاحی گرفته اند و شبهه رادعیت این روایت از سیره را اینطور جواب می دهند:

«و فیها: مع الغض عن سندها، و مع الغض عن ظهورها فی الشبهة التحریمیة الموضوعیة إشکال، یکشف عن نوع اضطراب و اغتشاش فی المتن؛ فَإِنَّ الْأَمْثِلَةَ الْمَذْكُورَةَ فِیْهَا، لَا تَنْطَبِقُ عَلَیْهَا الْکِبَرُ، لَوْ أُرِيدَ بِهَا قَاعِدَةُ الْحَلِّ الْمَجْعُولَةُ فِی الْمَوَارِدِ الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِیْهَا حُجَّةٌ شَرْعِیَّةٌ أَوْ عَقْلِیَّةٌ عَلَى الْوَاقِعِ؛ ضَرُورَةُ أَنَّ الْمَثَالِینِ الْأَوَّلَیْنِ تَوْجَدُ فِیْهِمَا قَاعِدَةُ الْبَیْدِ، وَ هِيَ أَمَارَةٌ عَقْلَیَّةٌ عَلَى الْوَاقِعِ...»

ایشان اولاً اشکال سندی می کنند و ثانیاً می فرماید این روایت مربوط به شبهه تحریمی موضوعیه است و حال اینکه بحث ما اعم از شبهه تحریمی موضوعیه است. اما اشکال اصلی روایت این است که یک نوع اضطراب و اغتشاش در متن وجود دارد تا اینکه ایشان می فرماید این روایت صالح برای رادعیت از بناء عقلاً نیست.

«و الإنصاف: أَنَّ رَفْعَ الْبَیْدِ عَنْ بِنَاءِ الْعَقْلِ الْمَحْکَمِ بِمِثْلِ تِلْكَ الرَّوَايَةِ، خَرُوجٌ عَنِ السَّدَادِ»^۲

مراد ایشان از اغتشاش و اضطراب در این روایت، جمع بین این موارد در حکم به اصل حلّ است. اینکه حلیت در آن موارد منصوصه مثلاً ثوب، به مبنای اصل حلّ نیست و «امْرَأَةٌ تَحْتَكُ وَ هِيَ أُخْتُكَ أَوْ رَضِيعَتُكَ» به خاطر اصل حلّ نیست و در اینجا اقصای عدم

۱. کتاب البیع (للإمام الخميني)؛ ج ۵، ص: ۲۱۱.

۲. کتاب البیع (للإمام الخميني)؛ ج ۵، ص: ۲۱۳.



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

موضوع: بررسی اعتبار قول اهل خبره (نقل اقوال فقها)

استاد: محمد قاضی حفظه الله

حلّ را دارد بلکه به جهت استصحاب یا اصل عدم ازلی است. ما در محل خودش متن این روایت را از نظر فقه الحدیث بررسی می کنیم.

عبارت مرحوم آقای تبریزی در ارشاد الطالب

مرحوم آقای تبریزی در ارشاد الطالب می فرمایند:

«نعم ربّما لا يمكن معرفة قيمة الشيء إلّا بالحدس و النظر المختص ببعض الناس و ذلك في الموردین (مورد دوم و سوم كلام مرحوم شيخ) أحدهما ما إذا لا يعرف وصف الشيء الدخيل في قيمته إلّا بالحدس و النظر ممن يعد خبره لذلك الشيء كالصائع حيث يعرف الذهب و أنّه من أي أصنافه و أنّ فيه أي مقدار من الخليط مع أنّ قيمة أصنافه معلومة لكل من يدخل السوق و يطلع عليها جميع الناس. و ثانيهما ما إذا لا يعرف قيمة الشيء إلّا بالحدس لأنّ الشيء لا يكون له في السوق مثل فعلا ليعلم رغبة الناس به كبعض الأحجار النفيسة و لكن يحدس بأنه لا بدّ من ان يباع في السوق بكذا، و قد يقال أنّ مورد الرجوع الى أهل الخبرة يختصّ بالأخير و لا يجري في غيره بل يتعين في الأوّل من الفرضين التعدّد و العدالة لأنّ الاعتبار فيهما بالبيّنة؛ و فيه أنّه لا فرق في اعتبار العقلاء قول المقوم لكونه من أهل الخبرة بين الفرض الأوّل و الفرض»^۱

شروط بینه در قول اهل خبره معتبر نیست.

نتیجه بحث در قاعده حجیت قول اهل خبره: عده ای از بزرگان قول خبره را مطلقا حجت می دانستند و عده ای آن را مقید به شروط بینه می دانستند و برخی دیگر از بزرگان حجیت قول اهل خبره را منوط به حصول وثوق و اطمینان (علم عرفی) می دانستند. معروف در کلمات اعتبار قول اهل خبره است و عده ای از متأخرین به این تصریح داشتند که اعتبار قول اهل خبره منوط به شرطی نیست. و از کلمات عده ای از سابقین از جمله مرحوم شهید بر می آید، که تقریبا معروف این بود که شروط بینه در قول اهل خبره معتبر است.

و الحمد لله ربّ العالمین

۱. إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب؛ ج ۴، ص: ۳۶۳.